

## طراحی مدلی مفهومی برای ارتقا نقش مدرسه در ایجاد سرمایه ی اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی

شهریار احمدبیگی<sup>۱</sup>، مصطفی اجتهادی<sup>۲</sup> و اختر جمالی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۶

### چکیده:

هدف این پژوهش ارائه ی مدلی برای ارتقای نقش مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران - منطقه یک است. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع داده آمیخته بود. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش شامل صاحب نظران آموزش و پرورش و افرادی صلاح دارای پست‌های اجرایی در زمینه مدیریت منابع انسانی بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و اصل اشباع ده نفره عنوان حجم نمونه انتخاب شد. گروه دوم از جامعه آماری این پژوهش، شامل معلمان مدارس غیرانتفاعی و دولتی در مقطع ابتدایی منطقه یک شهر تهران در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ به تعداد ۲۶۹۵ نفر بود. از این تعداد با استفاده از جدول مورگان و به روش نمونه‌گیری طبقه ای نسبی، تعداد ۴۰۰ نفره عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای، مصاحبه نیمه ساختاریافته (بخش کیفی) و پرسشنامه محقق ساخته (بخش کمی) استفاده شد. مصاحبه با خبرگان بیانگر و ابودن مصاحبه بود و به منظور محاسبه پایایی از روش پایایی بین دو کدگذار استفاده شده که نتایج بیانگر پایاور و ابودن مصاحبه بود. به منظور بررسی روایی پرسشنامه نیز از روایی صوری، محتوا و سازه استفاده شد و به منظور محاسبه پایایی آن نیز از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شده که نتایج بیانگر و ابودن پرسشنامه محقق ساخته بود. برای تحلیل داده‌های کیفی پژوهش از طریق تحلیل محتوا استفاده شد. در بخش کمی نیز با توجه به سؤال‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، جداول توزیع فراوانی و نمودار) و استنباطی (مدل‌سازی معادلات ساختاری، تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون تک نمونه‌ای) استفاده شد. نتایج نشان داد که ارکان مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان شامل معلم (۵۱٪)، آموزش (۵۳٪)، برنامه درسی (۵۸٪)، مدیر مدرسه و کارکنان آموزشی (۴۰٪) و محیط مدرسه (۵۱٪) بودند.

**واژگان کلیدی:** سرمایه ی اجتماعی، سرمایه ارتباطی، سرمایه ساختاری، سرمایه شناختی، مدرسه

<sup>۱</sup> - دکترای مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

<sup>۲</sup> - دانشکده ی علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران. (نویسنده مسوول). [beigi.ahmad@yahoo.com](mailto:beigi.ahmad@yahoo.com)

<sup>۳</sup> - دکترای پزشکی اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، ستاد مرکزی، تهران، ایران.

**مقدمه :**

در دنیای متغیر امروزی، سازمان‌ها به منظور کنار نرفتن از دور رقابت‌های جهانی، باید در فرایند مستمر و مداوم تغییر خود را درگیر کنند تا بتوانند ضمن ایستادگی در برابر مسائل سازمانی، از فرصت‌های محیط پیچیده و متغیر پیرامون خود به منظور کاهش نقص‌ها استفاده کنند (Chao, 2018).

در شرایط متحول امروز، سازمان‌ها برای بقا ناچارند پیوسته توانمندی‌ها و شایستگی‌های خود را توسعه دهند تا بتوانند پاسخگوی شرایط متغیر و متفاوت محیطی باشند (Ginsburg, L & Berta, W & Baumbusch, J A & Taylor, D, 2016)

بر این اساس، سرمایه ی اجتماعی به عنوان یک اهرم قوی نقش بسیار مهمتری از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان و جامعه دارد. می‌تواند جو مناسبی را برای بهبود عملکرد سازمان‌ها و منابع انسانی ایجاد کند (Lins, K, Servaes, H & Tamayo, A, 2017).

سرمایه اجتماعی، در واقع، منابعی هستند که یا از درون شبکه‌های کسب و کار به وجود می‌آیند یا به صورت فردی تقویت می‌شوند، این منابع شامل اطلاعات، اندیشه‌ها، راهنمایی‌ها، فرصت‌های کسب و کار، سرمایه‌های مالی، قدرت، نفوذ، پشتیبانی احساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری می‌شوند (Alvani.M & Mirali.S.n, 2002)

سرمایه اجتماعی از نگاه پیربوردیو، منابع واقعی یا بالقوه‌ای هستند که حاصل شبکه‌های بادوام و نسبتاً نهادینه شده، آشنایی و عضویت در یک گروه است که هر یک از اعضا خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند (Jones, C. I. & Williams, J. C, 1998)

سرمایه اجتماعی با دامنه وسیعی از مفاهیم خود (مشارکت داوطلبانه، دموکراسی، شبکه، اعتماد، امنیت و هنجارهای اجتماعی) (Skinner, J., Zakus, D. H., & Cowell, J., 2008) در بیست سال گذشته به طور فزاینده‌ای توجه متخصصان و اندیشمندان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است (Harvey, J., Lévesque, M., & Donnelly, P., 2007)

سرمایه اجتماعی را می‌توان در سه سطح خرد، میانی و کلان دسته‌بندی کرد. در سطح کلان، شامل نهادهای مانند دولت، نظام قضایی، آزادی‌های سیاسی و مدنی و مانند آن است و در سطح خرد و میانی به شبکه‌ها و هنجارهایی ارجاع می‌شود که بر کنش متقابل میان

افراد، خانواده‌ها و اجتماعات ناظرند، البته چنین شبکه‌هایی اغلب (نه لزوماً) از راه ایجاد انجمن‌ها یا نهادهای محلی ساختار می‌یابند (Knack, S., 1999).

سرمایه اجتماعی از منظر پی‌یر بوردیو، موفقیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد. او تطابق میان جایگاه اجتماعی، سلیقه‌ها و رفتارها در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر، او قائل به تطابق بین فضای طبقات و فضای رفتارهای هر یک از طبقات است، برای مثال این که فضای طبقه برتر، چه نوع ورزش‌ها، سبک زندگی، گرایش‌های سیاسی و غیره را ترجیح می‌دهد (Bourdieu, P., 2011).

سرمایه اجتماعی لزوماً یک مفهوم ثابت و ایستا به شمار نمی‌آید، بلکه طی زمان و مکان تغییر می‌کند. شبکه‌ها و هنجارهای اجتماعی مرتبط با سرمایه اجتماعی از طریق شکل‌های متفاوت مشارکت در فعالیت‌های مدنی و ارتباطی که شامل تعامل‌های شخصی است، خلق می‌شوند و از این طریق موجب افزایش اعتماد و تعامل می‌شوند. بنابراین در تمام سازمان‌ها توجه به سرمایه اجتماعی و سرمایه‌گذاری بر آن از ضروریات است. به دلیل اهمیت بالای سرمایه اجتماعی، کشورها سعی در ایجاد و تقویت این سرمایه دارند تا از این طریق بتوانند به توسعه اقتصادی نائل آیند. یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد کننده این سرمایه، نهاد آموزش است. آموزش قادر است هر دو بعد ذهنی و ساختاری سرمایه اجتماعی را در جوامع به وجود آورد. وظیفه آموزش تنها انتقال دانش و تربیت سرمایه انسانی نیست بلکه، آموزش به عنوان یک نهاد رسمی نقش تربیتی و پرورشی را نیز بر عهده دارد. چراکه نظام تعلیم و تربیت متولی تربیت نسل آینده کشور و نیروهای متخصص جامعه می‌باشد (Salloum, S. J. & Goddard, R. D., & Larsen, R., 2017).

به طور کلی، بهترین نوع آموزش، آموزشی است که زمینه ساز آینده باشد، اندیشه‌ها را غنی سازد، ظرفیت‌های ذهنی و افق‌های دید را گسترش بخشد و به طور کلی هنجارها را ایجاد کند (Chaharband, F., 2009). از طریق آموزش می‌توان بسیاری از اهداف اجتماعی را به دست آورد، که منجر به ارتقای سرمایه اجتماعی می‌گردد؛ نظیر دانستن وظایف دانش‌آموزان در مقابل خانواده، دوستان و همسایگان، احترام به معلمین و اولیای مدرسه، رعایت حقوق دیگران، کمک به همکلاسی‌ها، دوست داشتن همکاری با دیگران، شرکت در بازی و فعالیت‌های گروهی، دانستن و عمل به مقررات مدرسه و پایبندی به انجام وظایف و مسوولیت‌ها (Shorakayi Ardakani, J., Reyahinezhad, H. & Razaghi, H., 2011).

در نظام تعلیم و تربیت، مدارس، نقش مهمی دارند و در واقع شالوده این نظام هستند. مدرسه به مثابه مجموعه‌ای از اجزاء و مولفه‌ها در امر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان تاثیر دارد. برنامه درسی و یکی از مولفه‌های مهم آن یعنی کتاب‌های درسی که در مدرسه مورد تدریس واقع می‌شود، از جمله این عوامل است. کتاب‌های درسی محملی برای درگیری دانش‌آموزان با مفاهیم و موضوعات اجتماعی و ارزشی و اخلاقی است. مروری بر محتوای کتاب‌های درسی موادی چون دینی، تعلیمات اجتماعی، فارسی، علوم تجربی، نشان می‌دهد که ارزشهای اجتماعی و اخلاقی کم و بیش در این دروس به صورت پراکنده مطرح شده است و این شیوه ارائه ارزش‌های اجتماعی اساساً رویکردی در تربیت است که در تجارب کشورهای دیگر نیز یافت می‌شود. عنصر مهم دیگر در مدرسه جو حاکم بر مدرسه است. این عنصر تاثیر به‌سزایی در شکل‌گیری منش اجتماعی دانش‌آموزان و رفتار مدنی آنان دارد (Lin, N., 2017).

مدرسه مکانی امن و غنی شده از برنامه‌های آموزشی و پرورشی برای همه دانش‌آموزان است و نقش آن علاوه بر ارتقای دانش و مهارت دانش‌آموزان، ایجاد آمادگی در آنان متناسب با انتظارات حال و آینده جامعه است. در چنین شرایطی و در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، مدرسه تبدیل به مکانی خواهد شد که دانش‌آموزان از حضور فعال در آن لذت می‌برند و ترک نمودن آن آکراه دارند. در این مدرسه دانش‌آموز نه تنها در بخش آموزش بلکه در زمینه تربیت اجتماعی و اخلاقی خود با معلمان مشارکتی فعال دارد. بنابراین دانش‌آموز مرکز توجه و محور فعالیت‌هاست. به عبارت دیگر، در این مدرسه رویکرد دانش‌آموزمحوری در کنار رویکردهای موضوع‌محوری و معلم‌محوری مورد تأکید و توجه است. در این مدرسه، تلاش بر آن است که ضمن آموزش علوم مختلف، فرصت‌های علمی و عملی بیشتری در تقویت مهارت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان ایجاد شود و به طور کلی مهارت‌های لازم برای داشتن یک زندگی موفقیت‌آمیز در جامعه، با در نظر گرفتن معیارهای ارزشی و اسلامی و تحولات اجتماعی به دانش‌آموزان آموزش داده شود.

سرمایه اجتماعی در مدرسه پیامدهایی مانند ارتقای بهداشت، ایجاد و بهبود فرصت‌های کارآفرینی و پیشرفت تحصیلی، بهبود عملکرد، ایجاد حس اعتماد، و .. را به دنبال دارد (Zhang, J. & Scardamalia, M. & Reeve, R., & Messina, R., 2009)

عوامل مختلفی نیز در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نقش دارند. یکی از این عوامل، آموزش است در واقع، نهاد آموزشی به دلیل ایجاد هنجارها و ارزش‌ها و درونی کردن آن‌ها مهم‌ترین وظیفه را در خلق هنجارها در جامعه ایفا دارد. اهمیت آموزش آنقدر زیاد

است که بدون سرمایه‌گذاری روی آن، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پایدار محقق نمی‌گردد.

(Nolan, A. & Molla, T., 2017) یکی دیگر از عوامل تاثیر گذار بر بهبود سرمایه اجتماعی، مدرسه است. مدرسه با تمامی جنبه‌های خود بر سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد. یکی از این ارکان و در واقع مهمترین آن‌ها معلم است (Hanselman, P. & Grigg, J. & K. Bruch, S. & Gamoran, A., 2016) علامه و همکاران (۱۳۹۵) نیز این رابطه را مورد بررسی قرار داده و بر این مهم تاکید می‌کنند. نولان و مولا<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) نیز بر بهبود شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان و تاثیر آن بر روند بهبود سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان اذعان می‌کنند. از طرف دیگر، برخی از محققین، به تاثیر برنامه درسی و محتوای آن بر ارتقای سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان تاکید دارند (Nag, P. T., 2017).

(Ellinger, A. E. & Musgrove, C. C. F. & Ellinger, 2017) و (Turley, R. N. L. & Gamoran, A. & McCarty, A. T. & Fish, R., 2017)، بر لزوم توجه به مدیریت و تاثیر رهبری بر کسب سرمایه اجتماعی تاکید دارند.

(Borish, D. & King, N. & Dewey, C., 2017) نیز عنوان می‌کنند که مدیریت مؤثر منجر به بهبود سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان می‌گردد.

مدرسه باید انگیزش‌ها و رفتارها را در سطح جامعه ایجاد کرده و اصلاح کند. به گونه‌ای که این انگیزش‌ها و رفتارها به سمت هنجارها و ارزش‌های مثبت و قانون‌مداری کشیده شود و با قرار گرفتن در چنین چارچوبی به طور خودکار اعتماد لازم را میان افراد به وجود می‌آورند. این اعتماد نیز مشارکت افراد و همکاری آنان با یکدیگر را ترویج می‌کند. اگر این نهاد بتواند چنین رفتاری را در جامعه ایجاد کند زمینه ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه فراهم می‌گردد.

(Salloum, S. J. & Goddard, R. D. & Larsen, R., 2017) برای ایجاد سرمایه اجتماعی، به یک نظام آموزشی جامع نیاز است. زیرا که آموزش پایه از یک سو بیشترین میزان جمعیت را تحت پوشش قرار می‌دهد و از سوی دیگر این که، در سنین پایین افراد انعطاف پذیرترند و آسان‌تر می‌توان هنجار و ارزش‌های مثبت را در آن‌ها ایجاد کرد و شخصیت آن‌ها را شکل داد. دوره ابتدایی اولین مکان تربیت ظرفیت‌ها و توانایی‌های

معنوی (اخلاقی) و ذهنی خارج از خانواده در زندگی افراد است (Huang, J. & Van den Brink, H. M. & Groot, W., 2009)

به دلیل آن که کسب و تقویت سرمایه اجتماعی برای تربیت نسلی توانمند و کارا، بسیار ضروری است، مدارس نقش مهمی می‌توانند در بهبود آن داشته باشند اما امروزه در مدارس کشور شاهد چیزی بر خلاف این مهم هستیم. امروزه معلمان که رکن اصلی فرایند یاددهی و یادگیری در مدارس هستند، به قدر کافی آموزش دیده نیستند و بسیاری از آن‌ها توانایی تقویت و توانمند کردن دانش‌آموزان را ندارند. این نقص، به ویژه در مدارس ابتدایی به وضوح به چشم می‌خورد. از طرف دیگر، در کشور ما وجه غالب توجه دست اندرکاران تعلیم و تربیت و محققان، برنامه درسی رسمی یا آشکار بوده است. لذا بخش قابل توجهی از برنامه‌های درسی که دانش‌آموزان در نظام‌های آموزشی در معرض آن قرار می‌گیرند، خصوصاً اثر نیرومند برنامه درسی پنهان ناشی از محیط اجتماعی مدرسه بر روی دانش‌آموزان مورد کم توجهی و غفلت قرار گرفته است. برنامه درسی پنهان ابعاد گسترده‌ای را در برمی‌گیرد، از جمله: جو اجتماعی مدرسه، روابط دانش‌آموزان با هم و با معلمان خود، ظاهر فیزیکی مدرسه و کلاس درس و غیره (Giurian, H & Dindarfarkoosh, f., 2011).

دوره ابتدایی از مهم‌ترین دوره‌های تحصیلی دانش‌آموزان به شمار می‌رود و به همین دلیل که شالوده شخصیت آینده دانش‌آموز به لحاظ تربیتی و آموزشی در آن شکل می‌گیرد. نظام آموزش ابتدایی در کشور با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه دستیابی افراد را در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی به صورت نظام مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثر بخش فراهم سازد. با توجه به اهمیت این دوره و کسب اولین سرمایه‌های اجتماعی توسط دانش‌آموزان، متأسفانه پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام پذیرفته. گیوریان و فرکوش (۱۳۹۰) در پژوهش خود عنوان می‌کنند که در مدارس کشور، توجه زیادی به عوامل موثر و حمایتی بر تشکیل سرمایه اجتماعی نمی‌شود. از طرف دیگر عدم وجود انسجام اجتماعی در بین دانش‌آموزان، عدم مشارکت آن‌ها در کارهای گروهی و انزوای اجتماعی آن‌ها نشان‌دهنده ضعف نهاد مدرسه و سایر عوامل در آموزش سرمایه اجتماعی به آن‌هاست.

کسب مهارت در بین دانش‌آموزان ابتدایی و اهمیت این دوره از ضروریاتی است که در سند تحول بنیادین به آن اشاره شده است. در این سند عنوان شده است که دوران ابتدایی، نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان یافته که به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط اعتلای فرهنگ در جامعه ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت تحقق مرتبه‌ای

از حیات نیکو درهمه ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی برای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش آموزان (باتاکید بر وجوه مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی) ضمن ملاحظه ویژگی های فردی و غیر مشترک (Ministry of Education, 2011). مساله بودگی پژوهش حاضر از این موارد سرچشمه می گیرد: کم رنگ شدن نقش مدرسه در ایجاد سرمایه ی اجتماعی دانش آموزان، فقدان مدلی جامع در زمینه ی ارتقای نقش مدرسه در ایجاد سرمایه ی اجتماعی دانش آموزان، مطرح بودن سرمایه ی پایین اجتماعی در جامعه ی ایران به عنوان چالشی مهم و مستمر، روشن نبودن سهم هریک از ارکان مدرسه در ایجاد سرمایه ی اجتماعی دانش آموزان. بر این اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا با تبیین نقش مدرسه و مولفه های آن در تشکیل سرمایه ی اجتماعی در دانش آموزان مقطع ابتدایی (مدارس ابتدایی منطقه ی یک شهر تهران) به این سؤال مهم پاسخ دهد که مدارس ابتدایی منطقه ی یک شهر تهران چه نقشی در تشکیل سرمایه ی اجتماعی در دانش آموزان دارد و در نهایت مدلی کارآمد برای ارتقای این نوع سرمایه ارائه کند.

### مبانی تئوریک پژوهش:

در چند دهه گذشته سرمایه اجتماعی در شکل ها و زمینه های مختلف به عنوان یکی از شاخص ترین مفاهیم در علوم اجتماعی پدیدار گشته است. ولی ریشه استفاده از این اصطلاح به سال ۱۹۱۶ و به کاربرد اولیه آن توسط یک معلم جوان ترقی خواه به نام هنیفن<sup>۱</sup> باز می گردد. وی در بحث از مراکز اجتماعات مدارس روستایی، بر اهمیت احیای مشارکت های اجتماعی برای تداوم دموکراسی و توسعه تأکید کرد و مفهوم سرمایه اجتماعی را برجسته کرد اما به رغم این نوآوری مفهومی توجهی را بر نمی انگیخت و بدون هیچ اثری ناپدید شد. پس از آن مفهوم سرمایه اجتماعی چندین بار به طور مستقل بازآفرینی شد. اما مفهوم سرمایه اجتماعی تنها در دهه ۱۹۸۰ بود که به شدت مورد توجه قرار گرفت و توانست با گسترش نظری و تجربی، جایگاه تعریف شده ای در میان نظریه های جامعه شناسی به خود اختصاص دهد. این امر عمدتاً مرهون کلمن<sup>۲</sup> (Talmage, C. A. & Peterson, C. B., 2017) & Knopf, R. C. جامعه شناس آمریکایی و تحقیق وی در زمینه مشارکت در امور مدرسه (در شهر شیکاگو) است پس از آن بوردیو در فرانسه ابعاد دیگری از این مفهوم را

<sup>۱</sup>hanifan

<sup>۲</sup>Coleman

روشن کرد و مطالعه پاتنام<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا، خصوصاً از عوامل مؤثر در این گسترش است.

پاتنام (۲۰۰۰)، از نظریه پردازان اصلی سرمایه اجتماعی است. تحقیقات عمده وی در زمینه تاثیر سرمایه اجتماعی بر نهادهای سیاسی و دموکراتیک است. وی سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای جامعه می‌شود و منافع متقابل و گاهی مشترک آنان را تامین می‌کند

(Kheirandis, M. & Jamshidi, H., 2016) مقیاس پاتنام (۲۰۰۰)، مبتنی بر دو دسته از عوامل شامل اثر بخشی دولت در فراهم ساختن دامنه وسیعی از خدمات (تامین مسکن، مهد کودک ها، و کلینیک های سلامت خانواده) و پاسخگویی شان در باره سئوالات تلفنی و کتبی (پستی) و نیز کیفیت سوابق قانون گذاری شان است. برای اندازه گیری مشارکت مردم در زندگی اجتماعی، پوتنام شاخصی را برای قوت جامعه شهری مبتنی بر درصد جمعیت رای گیری در همه پرسی، خوانندگان روزنامه و تعداد انجمن های داوطلبانه، فعالیت های فرهنگی و ورزشی به ازاء هر نفر تدوین کرد. او بحث می‌کند که سرمایه اجتماعی به عنوان یک مجموعه از منابع که ریشه در روابط دارند، دارای ویژگی‌های بسیار مختلفی است که شناسایی ابعاد آن یک اولویت تحقیقی است.

جایگاه مدرسه در تعلیم ارزش ها، شاید در قالب برنامه درسی باشد. برنامه درسی دو نوع است: آشکار و پنهان. برنامه رسمی آموزشی که مقامهای مسوول در قالب مواد درسی، اهداف و محتواهای معینی تصویب و اجرا می کنند، از نوع برنامه درسی آشکار است. برنامه درسی پنهان به معیارها، ارزش ها و اعتقادات ناگفته می پردازد که روابط اجتماعی مدرسه بر آن ها استوار است و به محتوای کتاب ها و درس هایی که به طور رسمی تدریس می شود هیچ ارتباطی ندارد و به طور ضمنی آموخته می شود و به همین دلیل، ایللیچ در دیدگاه انتقادی خود، از مدرسه زدایی سخن می گوید و خواهان تغییرات در نظام های آموزشی کنونی است. بر این اساس آموزش ارزش ها در مدرسه، یا به صورت ناخواسته است که این نوع آموزش نتیجه آگاهانه یا ناآگاهانه نوع سازمان دهی اداری و روابط اجتماعی درون مؤسسه آموزشی است، یا آموزش ارزش ها به صورتی مستقیم و هدفمند صورت می گیرد. به این منظور، میان معلمان و دانش آموزان کلاس هایی با عنوان «تحلیل جریان های روز» گنجانده می شود. تعلیم ارزش ها علاوه بر شیوه های مستقیم، به شیوه

<sup>۱</sup> Putnam



های غیرمستقیم نیز صورت می گیرد که از آن جمله، الگوبرداری است که همان تقلید آگاهانه یا ناخودآگاهانه از بزرگسالان، مدرسه، جامعه و خانواده است. بسیاری از دانش آموزان ارزش ها را از فرهنگ حاکم بر مدرسه می آموزند.

یکی دیگر از روش های غیرمستقیم تعلیم ارزش ها، خودگردانی امور مدرسه است که معلمان هر از چند گاهی از دانش آموزان بخواهند به ارزیابی خود بپردازند. همچنین تعلیم ارزش ها از طریق فعالیت عملی، یعنی برنامه مشترک نهادهای آموزشی با نهادهای اجتماعی، نیز می تواند مؤثر واقع شود. مقاطع تحصیلی گوناگون در ایجاد و تقویت ارزش های خاص در ذهن دانش آموزان نیز نقش دارد. طی مطالعاتی که صورت گرفته است، دوران تحصیلی دبیرستان بیشترین تأثیر را از حیث تقویت ارزش های خاص در ذهن دانش آموزان دارد. مطالعات دیگری نشان داده است که تأثیر آموزش های ارزشی و اخلاقی بیشتر در زمانی احساس می شود که فرد محیط آموزشی خود را ترک نکرده است و این برداشت ها و روحیات تحت تأثیر شدت یا ضعف سایر ارزش های حاکم بر کل جامعه، زودتر یا دیرتر اثر خود را از دست می دهد. شرط اول تعلیم و تربیت ارزش ها در مدرسه نیز برقراری روابط انسانی بین فراگیران و معلمان است (Zaker, Q., 2008).

## اهداف پژوهش :

هدف اصلی:

ارائه مدلی برای ارتقای نقش مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی (منطقه یک شهر تهران)

اهداف ویژه :

- شناسایی ارکان مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ۱ شهر تهران
- شناسایی ابعاد و مولفه های سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ۱ شهر تهران
- تعیین وضعیت موجود هر یک از ارکان مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ۱ شهر تهران
- تعیین وضعیت موجود سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ۱

- تعیین عناصر مدل ارتقاء نقش مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ۱ شهر تهران
- تبیین درجه تناسب مدل پیشنهادی

### سوالات پژوهش :

سؤال اصلی :

- چه مدلی برای ارتقای نقش مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ی یک شهرتهران می توان ارائه کرد؟

سؤال های فرعی:

- ارکان مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ۱ شهر تهران کدام اند؟
- مؤلفه های سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ۱ شهر تهران کدام اند؟
- وضعیت موجود هر یک از ارکان مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ۱ شهر تهران چگونه است؟
- وضعیت موجود سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ۱ تهران چگونه است؟
- عناصر مدل ارتقای نقش مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ی یک شهرتهران کدامند؟
- درجه ی تناسب مدل پیشنهادی چگونه است؟

روش شناسی پژوهش :

به دلیل آن که پژوهش حاضر در مورد نقش مدرسه در تشکیل سرمایه اجتماعی دانش آموزان دبستانی شهر تهران است، این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی؛ از نظر زمان گردآوری داده‌ها مقطعی و از نظر روش از نوع آمیخته اکتشافی بود.

### جامعه آماری :

در بخش کیفی شامل صاحب نظران آموزش و پرورش و افراد ذی صلاح دارای پست‌های اجرایی در زمینه مدیریت منابع انسانی که از سوابق اجرایی در سطوح تصمیم‌گیری برخوردار بوده و نیز محققانی، که دارای کتب و مقالاتی تخصصی در این حوزه بودند.

در بخش کمی شامل ۲۶۹۵ معلم مقطع ابتدایی در مدارس دولتی و غیر انتفاعی منطقه ی یک آموزش و پرورش تهران بودند

### حجم نمونه :

در بخش کیفی (مصاحبه) : با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در نهایت، ۱۴ نفر به عنوان حجم نمونه مصاحبه شونده، در نظر گرفته شد. در بخش کمی : با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی، با استفاده از جدول مورگان، تعداد ۳۳۶ نفر معلم انتخاب گردید (۲۱۶ نفر از مدارس دولتی و ۱۱۹ نفر از مدارس غیر انتفاعی)

در بخش کیفی این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. در مصاحبه‌های انفرادی با مصاحبه شونده‌گان، برای بررسی مقدماتی از هفت سؤال در مصاحبه استفاده شد. ضمن این که سؤال‌های فرعی دیگری نیز در کنار هر سؤال برای درک تجارب شرکت کنندگان در حین مصاحبه مطرح می‌شد. در حین انجام مصاحبه پژوهشگر با پرسش سؤال‌های راهنما، صحت برداشت خود را از گفته‌های مصاحبه شونده‌گان کنترل کرده است. پژوهشگر در فرایند نمونه‌گیری از شرکت کنندگان داده‌ها را مورد تحلیل قرار داد تا مواردی که ناقص بوده با دریافت اطلاعات جدید از شرکت‌کننده جدید کامل گردد. بعد از انجام ۱۴ مصاحبه، عوامل اصلی و فرعی در مصاحبه‌های قبلی تکرار می‌شد و پژوهشگر به اشباع رسید. در حین مصاحبه به جمع‌آوری نظرات در مورد شاخص‌های مناسب برای تعیین نقش مدرسه در ارتقای سرمایه اجتماعی پرداخته و عوامل اصلی و فرعی مورد نظر بررسی و نهایی شد. مدت زمان انجام مصاحبه بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه بود.

<sup>۱</sup> Judgemental Sampling

برای حصول اطمینان از روایی بخش کیفی پژوهش و به‌منظور اطمینان خاطر از دقیق بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر، از نظرات ارزشمند استادان آشنا با این حوزه و متخصصان دانشگاهی که در این حوزه خبره و مطلع بودند استفاده شد. همچنین به‌طور هم‌زمان از مشارکت کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد. همچنین برای محاسبه پایایی از روش پایایی بین دو کدگذار استفاده شد. در مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار؛ از یکی از استادان مدیریت آموزشی آشنا به کدگذاری درخواست شد تا به عنوان کدگذار ثانویه در پژوهش مشارکت کند. در ادامه محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود را محاسبه کرد که پایایی حاصل از دو کدگذار با توجه به محاسبات ۷۵٫۱ درصد به دست آمد که بیانگر پایایی مناسب بود.

در بخش کمی این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها؛ پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته بر گرفته از کدهای حاصل از مصاحبه استفاده شد که با نظرسنجی از معلمان تکمیل شد. گویه‌های پرسشنامه‌های این پژوهش شامل دو قسمت است:

الف) گویه‌های عمومی: در سؤال‌های عمومی هدف کسب اطلاعات کلی و جمعیت - شناختی پاسخگویان است. این قسمت شامل پنج سؤال است و مواردی مانند جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه کار مطرح شده‌اند.

ب) پرسشنامه نقش مدرسه در سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان

گویه‌های تخصصی: این بخش شامل دو پرسشنامه ارکان مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی (۴۴ گویه) و ۲ سؤال باز بود. در طراحی این بخش سعی شده است که تا حد ممکن، گویه‌های پرسشنامه‌ها برای پاسخگویان قابل درک باشد. این گویه‌ها از نوع بسته و از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت می‌باشد. لازم به ذکر است، در زمان توزیع پرسشنامه پژوهش‌گر در محل حضور داشته و به‌صورت شفاهی جهت روشن شدن مطلب و گویه‌های پرسشنامه به رفع ابهام برای شرکت کنندگان مبادرت ورزیده است.

در این پژوهش به‌منظور محاسبه روایی از روایی صوری، محتوایی و سازه استفاده شد. روایی ظاهری پرسشنامه‌های نهایی به دور از ایرادات ویرایشی، شکلی، املائی و به کمک

<sup>۱</sup>Inter coder reliability (ICR)

استاد راهنما و مشاور تدوین گردید. برای بررسی روایی محتوایی از فرم‌های CVI و CVR استفاده شد. باید توجه داشت که بررسی روایی محتوایی قبل از توزیع پرسشنامه و از طریق خبرگان (اعضای مصاحبه شونده، استادان راهنما و مشاور، دانشجویان دکترای متخصص در این حوزه، چند نفر از آزمودنی‌ها و ..) صورت می‌گیرد. بر اساس این نوع از روایی هیچ سوالی نیاز به حذف شدن نداشت و برخی سوالات اصلاح شد.

روایی سازه از دو قسمت روایی همگرا و واگرا تشکیل شده است.

تست‌های روایی همگرا (تأییدی): تست‌هایی که برای سنجش روایی همگرا به کار می‌رود عبارتند از: ۱. همه بارهای عاملی معنادار باشد؛ ۲. بارهای عاملی بالای ۰/۵ باشد و بهتر این که بالای ۰/۷ باشد؛ ۳. AVE (میانگین واریانس استخراج شده) بزرگ تر از ۰/۵ باشد؛ ۴. پایایی ترکیبی بزرگ تر از میانگین واریانس استخراج شده باشد که تمام موارد در این پژوهش تایید شد. در جدول ۱ ضرایب میانگین واریانس استخراج شده، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرها آورده شده است و می‌توان این دو ضریب را با هم مقایسه کرد:

### تست روایی واگرا (تشخیصی)

آزمون فورنل و لارکر: این شاخص از ترکیب جداول مقادیر همبستگی بین متغیرهای پنهان و متوسط واریانس استخراج شده به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روشها و ابزارهای متفاوتی استفاده شد: برای تحلیل داده‌های کیفی پژوهش از تحلیل محتوا استفاده شد. در این طرح مراحل تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده، از طریق کدگذاری باز<sup>۱</sup> و کدگذاری محوری<sup>۲</sup> انجام شده است.

در بخش کمی با توجه به سؤال‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش توصیفی برای متغیرهای جمعیت شناختی که داده‌های آن از پرسشنامه به دست آمد میانگین، انحراف معیار، جداول توزیع فراوانی و نمودار برای هر یک از متغیرها ارائه شد که این فرآیند توسط نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

<sup>۱</sup>Content Validity

<sup>۲</sup>Construct Validity

<sup>۳</sup>Open Coding

<sup>۴</sup>Axial Coding

در بخش استنباطی آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم افزارهای SPSS و همچنین Lisrel صورت پذیرفت. نتایج نرم افزار Lisrel در قالب روش مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد استفاده قرار گرفت. همچنین از آزمون‌های آمار استنباطی دیگر نظیر تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون تی تک نمونه ای نیز بهره گرفته شد.

### چه مدلی برای ارتقای نقش مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی می‌توان ارایه کرد؟

به منظور تعیین الگوی مناسب برای ابعاد شناسایی شده از مدل تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردیده است. از مدل تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. شکل زیر نمودار مسیر برازش شده به داده‌ها را نشان می‌دهد. همان گونه که شاخص‌های  $\chi^2$  و RMSEA نشان می‌دهند، مدل اصلاح شده برازش مناسب تری را به داده‌ها ارائه می‌کند. خروجی‌های مدل در جدول زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۱- شاخص‌های برازش تحلیل مسیر مدل

شاخص‌های برازش		نام شاخص
حد مجاز	مقدار	
کمتر از ۳	۲,۵۵	Chi-square/df
کمتر از ۰/۱	۰,۰۶۰	RMSEA (ریشه میانگین خطای برآورد)
بالاتر از ۰/۹	۰,۹۸	CFI (برازندگی تعدیل یافته)
بالاتر از ۰/۹	۰,۹۷	NFI (برازندگی نرم شده)
بالاتر از ۰/۸	۰,۸۴	GFI (نیکویی برازش)
بالاتر از ۰/۸	۰,۸۲	AGFI (نیکویی برازش تعدیل شده)

همان گونه که مشاهده می شود شاخص‌های برازش مدل در وضعیت مطلوبی قرار گرفته است. البته شایان ذکر است براساس مطالعه‌ای که در ادبیات پیشینه صورت گرفت،

هریک از ابعاد شناسایی شده خود شامل مولفه‌هایی بود که شاخص‌های هر بعد آن‌ها را تشکیل می‌دهند.

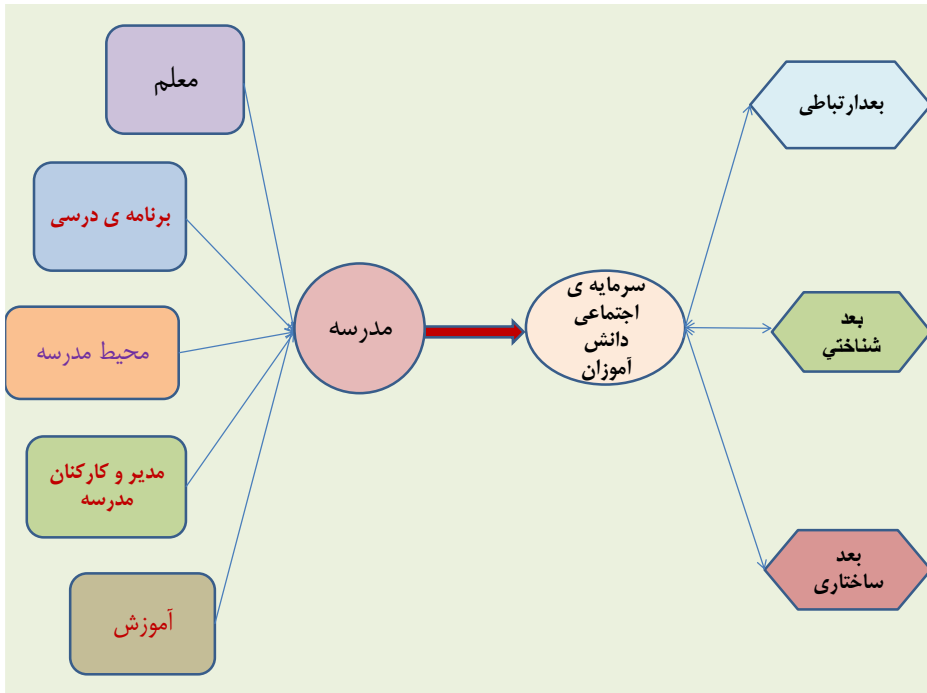
همه مقادیر پارمترهای مربوط به ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌ها به همراه بارهای عاملی و ضرایب مسیر در جداول زیر به صورت خلاصه آورده شده است.

**جدول ۲- برآوردهای مربوط به مدل نقش مولفه‌های مدرسه در سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان**

مسیر	ضریب مسیر	مقدار t	وضعیت
سرمایه اجتماعی	→	۱۲,۲۷	پذیرفته شد
	→	۱۲,۵۷	پذیرفته شد
	→	۱۲,۷۷	پذیرفته شد
	→	۱۰,۰۰	پذیرفته شد
	→	۱۰,۳۳	پذیرفته شد

همان طور که در جدول بالا مشخص است، تمام بارهای عاملی از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده و قابلیت اندازه‌گیری ابعاد را دارند.

در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش مبتنی بر مصاحبه، پرسشنامه و مبانی نظری مدل مفهومی نهایی به صورت شکل زیر ارائه می‌گردد.



مدل طراحی شده دارای ارتباط منطقی بوده و رابطه ارکان مدرسه و مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی را به صورتی مفهومی بیان می‌کند. این مدل بر اساس نظر متخصصان از درجه‌ی تناسب خوبی برخوردار است. هدف این مدل تبیین و ارتقای نقش مدرسه در ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی بوده است.

### بحث و نتیجه‌گیری :

در تبیین این سؤال که چه مدلی می‌توان برای ارتقای نقش مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان ارائه داد، باید اذعان داشت براساس مدل‌های ارائه شده در مورد سرمایه اجتماعی مانند مدل‌های گرانووتر<sup>۱</sup> (۱۹۷۳)، برت<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)، سیبرت و همکاران<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> Granovetter

<sup>۲</sup> Burt

<sup>۳</sup> Seibert, et al



(۲۰۰۱) و لین وهمکاران (۱۹۸۱) و همچنین مولفه های پیشنهادی در مورد ارکان تاثیرگذار بر مدرسه که سبب رشد و توسعه آن می شود، مانند آنچه در سند تحول بدان پرداخته شده است. باید خاطر نشان کرد که مدلی مبنی بر بررسی نقش ارکان مدرسه در سرمایه اجتماعی که به صورت جامع به این موضوع پرداخته باشد یافت نشد و مدل های موجود بیشتر به تبیین سرمایه اجتماعی و تاثیر مولفه های آموزشی و ... به طور کلی پرداخته اند. بر این اساس، پژوهش حاضر، با شناسایی مولفه های سرمایه اجتماعی در بین معلمان و همچنین شناسایی ارکان مدرسه که نقش اساسی در بهبود سرمایه اجتماعی دارند، پرداخته است. با توجه به یافته های پژوهش حاضر، مولفه های سرمایه اجتماعی معلمان شامل مولفه های شناختی، ارتباطی و ساختاری بودند. همچنین مولفه های نقش مدرسه شامل مولفه های معلم، برنامه درسی، مدیریت و محیط بودند که در مدل نیز به وضوح قابل رویت هستند. این مولفه ها، براساس شاخص های نهایی مؤلفه های جدید با توجه به ادبیات موجود شناسایی شدند.

مدرسه اولین نهادی است که دانش آموزان با آن سروکار دارند، لذا تاثیرات شگرفی در جذب سرمایه اجتماعی دارد. از این رو، باید به فاکتورهایی که در مدرسه وجود دارند و بر سرمایه اجتماعی دانش آموزان تاثیر گذارند، حساس تر بود. مدرسه مکانی امن و غنی از برنامه های آموزشی و پرورشی برای همه دانش آموزان است و نقش آن علاوه بر ارتقای دانش و مهارت دانش آموزان، ایجاد آمادگی در آنان متناسب با انتظارات حال و آینده جامعه است. در چنین شرایطی و در افق چشم انداز ۲۰ ساله کشور، مدرسه تبدیل به مکانی خواهد شد که دانش آموزان از حضور فعال در آن لذت می برند و از ترک کردن آن اکراه دارند. در این مدرسه دانش آموز نه تنها در بخش آموزش بلکه در زمینه تربیت دینی و اخلاقی خود با معلمان مشارکتی فعال دارد. بنابراین دانش آموز مرکز توجه و محور فعالیت هاست. به عبارت دیگر، در این مدرسه رویکرد دانش آموز محوری در کنار رویکردهای موضوع محوری و معلم محوری مورد تأکید و توجه است. در این مدرسه، تلاش بر آن است که ضمن آموزش علوم مختلف، فرصت های علمی و عملی بیشتری در تقویت مهارت های زندگی برای دانش آموزان ایجاد شود و به طور کلی مهارت های لازم برای داشتن یک زندگی موفقیت آمیز در جامعه، با در نظر گرفتن معیارهای اخلاقی و تحولات اجتماعی به دانش آموزان آموزش داده شود.

طبق یافته های حاصل از پژوهش حاضر، مولفه های مدرسه که در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان ابتدایی نقش دارند، شامل معلم، برنامه درسی، آموزش و پژوهش، مدیریت و کارکنان آموزشی و محیط مدرسه است. در اولین گام، باید خاطر نشان کرد که

معلم یکی از ارکان اصلی در مدرسه است و وظیفه‌ی زمینه‌سازی برای تحقق نظام تربیت رسمی و عمومی را بر عهده دارد. در واقع، معلم، راهنمای خردمندی است که وظیفه‌ی برنامه‌ریزی، آموزش، پشتیبانی، مشورت، بازخورد دادن و ترغیب دانش‌آموزان برای به چالش کشاندن موقعیت‌های کنونی جهت بسط و توسعه ظرفیت‌های وجودی را برعهده دارد. معلم باید قادر به تشخیص قابلیت‌ها و نقاط قوت و ضعف خود باشد و بتواند سطح بلوغ فکری و روانی خود را ارتقا دهد. بتواند برنامه‌های آموزشی و پرورشی خود را به گونه‌ای سازماندهی کند تا زمینه برای رشد و توسعه ظرفیت‌های وجودی و دستیابی دانش‌آموزان به مراتب حیات‌نیکو فراهم شود. معلمی که در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان نقش فعال دارد، باید از نظر جسمی، دانش و مهارت حرفه‌ای در سطح بالا قرار داشته و دائم مورد سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای قرار گیرند و استخدام آنان منوط به داشتن آمادگی در حد مطلوب باشد. باید علاقه‌مند به تدریس بوده و به آن عشق و علاقه فراوان داشته و از طرفی سعی در روزآمد کردن خود در کسب مهارت‌های مورد نیاز داشته باشند. معلم باید پژوهنده باشد، یعنی معلمی که از کنار مسایل آموزشی و تربیتی به سادگی عبور نکند. چنین معلمی با ایجاد ارتباطات باز با دانش‌آموزان، آن‌ها را به افرادی قابل اعتماد و محترم تبدیل می‌کند، افرادی که نیاز هر جامعه‌ای را می‌توانند تامین کنند.

مدیریت مدرسه و یاران آموزشی، عامل دیگر مدرسه و تاثیرگذار بر ایجاد سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان هستند. اگر آموزش و پرورش هر جامعه در راس همه مسائل جامعه باشد، مدیریت مدارس نیز با همان منطق جایگاه مهم در توسعه جامعه دارد. امروزه مدیریت و رهبری مدارس تا حد زیادی به کارایی و اثر بخشی مدیریت بستگی دارد. بنابراین اگر مدیران مدارس از مهارت و دانش کافی برخوردار باشند، بدون تردید نظام مدرسه اثربخشی بیشتری خواهد داشت. یک مدیر مدرسه باید خلاق نیز باشد تا با اهمیت دادن و تشویق معلمان به خلاقیت، زمینه رشد و شکوفایی و پرورش استعدادهای خلاق دانش‌آموزان نیز فراهم کند. چنین مدیری می‌تواند با ایجاد فرهنگ نوع دوستی در مدرسه، حس همدلی و مشارکت را در بین دانش‌آموزان نهادینه سازد و در کسب سرمایه اجتماعی توسط آنان بکوشد.

عامل دیگر تاثیر گذار، برنامه درسی است. در پژوهش حاضر عنوان شد که عامل برنامه درسی نسبت به عوامل دیگر از تاثیر بیشتری بر سرمایه اجتماعی برخوردار است. این نکته، خود، میزان اهمیت برنامه درسی را نشان می‌دهد. پرورش عادات صحیح فکر کردن در یادگیرندگان، یکی از وظایف اساسی و مهم دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، به ویژه مولفان

کتب درسی است. ایجاد شرایط مطلوب برای عشق ورزی، دوست داشتن، تعامل، اندیشیدن، تحریک تفکر خلاق دانش آموزان و تشویق و راهنمایی یادگیرندگان برای کسب مهارت های صحیح تفکر و اندیشه و آموزش آفرینندگی و خلاقیت، از طریق کتب درسی انجام می گیرد؛ بنابراین برنامه ریزی درسی صحیح و حساب شده و تالیف کتب درسی مفید و سودمند می توانند در بالا بردن حس تعامل دانش آموزان به ویژه در مقطع ابتدایی بسیار موثر باشند. این واقعیت نباید نادیده گرفته شود که در هر جامعه ای، تحولات و تغییرات سریع و فزاینده رخ می دهد و اگر نظام آموزشی نتواند توانایی حل مسایل ناشی از این تغییرات را به یادگیرندگان بیاموزد، به موفقیت آتی خود لطمه وارد کرده است. بنابراین، برنامه های درسی باید به روش های خلاق در فراگیران تاکید ورزند و نوع دوستی، ارتباطات، همدلی و ... وارد برنامه های درسی شود.

عامل دیگر تاثیر گذار بر ایجاد سرمایه اجتماعی دانش آموزان، عامل محیط است، مدرسه بخشی از جامعه و معرف یک سیستم اجتماعی پیچیده با ویژگی های منحصر به فرد است. در این میان (مدرسه) یکی از پویاترین سیستم های اجتماعی در جامعه دارای حیات است و دائماً با جامعه اطراف خود در حال تعامل است از طرفی این مدرسه پاسخگوی نیازهای دانش آموز و به تبع آن خانواده و جامعه است و از طرف دیگر درخواست ها و انتظاراتی از آنان دارد که به واسطه این انتظارات و با تحقق آن ها عملکرد مدرسه بهینه شده و حصول به اهداف در سطوح بالای کیفیت امکان پذیر می گردد. آنچه در این مدرسه پیش بینی، برنامه ریزی و اجرایی گردد جهت تربیت دانش آموز به عنوان یک فرد در خانواده و جامعه و آماده کردن او برای زندگی در حال و آینده است. در فلسفه تربیت رسمی و عمومی آموزش و پرورش ایران نیز اشاره شده که ارکان نظام تربیت رسمی و عمومی آموزش و پرورش ایران شامل دولت (حاکمیت)، خانواده، رسانه و نهادها و سازمان های غیر دولتی است. این عوامل از بیرون بر مدرسه احاطه دارند و از خروجی آن استفاده مداوم و مؤثر می کنند.

آموزش و پژوهش و نحوه آن در مدارس ابتدایی نیز بر ایجاد سرمایه اجتماعی در بین دانش آموزان موثر است. آموزش باید به نحوی باشد که یادگیری مادام العمر را تقویت کند. انتقال درست دانش به دانش آموزان و یاد دادن این نکته که باید دانش خود را به درستی بین همکلاسی های خود تسهیم کنند، گامی مؤثر رد جهت ایجاد سرمایه اجتماعی در آن هاست. دانش آموزان با این کار، تعامل و یکدلی را فرا می گیرند. از طرف دیگر، مهارت ارائه محتوای آموزشی بسیار مهم است. محتوای آموزشی، بر سرمایه اجتماعی و ارتقای آن بسیار تاثیر گذار است، لذا، نحوه آموزش این محتوا توسط معلمان بسیار مهم است. هم چنین یاددهی

پژوهشگر شدن و فعالیت‌های درس‌پژوهی و اقدام‌پژوهی، به دلیل این‌که تعاملات بین دانش‌آموزان را سرعت می‌بخشد، می‌تواند در کسب سرمایه اجتماعی آنان موثر باشد. معنا دادن به تجارب یادگیری دانش‌آموزان و تجربه در کنار هم یادگرفتن، موضوع دیگری است که به آموزش و پژوهش مربوط است و باید مد نظر قرار گیرد.

در نهایت باید عنوان کرد که با توجه به مولفه‌های شناسایی شده در مدرسه که می‌تواند بر ایجاد سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان نقش داشته باشند، می‌توان اذعان کرد که مدرسه، منشاء بسیاری از موانعی است که بر سر راه اجتماعی شدن و کسب سرمایه اجتماعی پیش می‌آید که با بررسی تمام مولفه‌های آن و توجه به این مولفه‌ها می‌تواند در جهت ایجاد مدرسه‌ای توسعه‌پذیر و توانمند و در نهایت در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی که یکی از مهمترین سرمایه‌های بشری در جامعه امروز است، گام برداشت. در پژوهش حاضر، مدلی جامع ارائه شد که مولفه‌های مدرسه را در بر می‌گیرد و نقش آن‌ها را در ایجاد سرمایه اجتماعی در دانش‌آموزان مورد بررسی قرار می‌دهد. در مورد همخوانی یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های دیگر، با توجه به سوابق پژوهشی عنوان شده در فصل ۲، باید عنوان کرد که اسلامی و کاظمی (۱۳۹۶)، در پژوهش خود، دریافتند که آموزش و پرورش و مدارس نقش مهمی در فرهنگ‌سازی و کسب سرمایه اجتماعی در دانش‌آموزان دارد. همچنین، سید نورانی و همکاران (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که آموزش دوره‌ی ابتدایی اثربخش و معنا داری بر میزان سرمایه‌ی اجتماعی در ایران داشته است و نیز آموزش عالی با ضریب ۰/۲۹. کمتر از آموزش پایه روی سرمایه‌ی اجتماعی اثر می‌گذارد. علاوه بر آن، کیامرثی و مؤمنی (۱۳۹۲)، نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی داری دارد به گونه‌ای که ۱۳ درصد این پیشرفت توسط سرمایه اجتماعی توضیح داده می‌شود. همچنین در این خصوص پژوهش‌های چندین پژوهشگر خارجی نیز با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. از آن جمله می‌توان به پژوهش سالوم و همکاران (۲۰۱۷)، اشاره کرد که نشان دادند که سرمایه اجتماعی در مدارس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر دارد. در این مورد، هارلی (۲۰۱۷)، عنوان کرد که سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان با تعامل گسترده خانواده و مدرسه رابطه دارد. پاتنام (۲۰۱۷)، نیز گزارش داد که سرمایه اجتماعی کسب شده در مدرسه بر انسجام اجتماعی تاثیر می‌گذارد. دافر و همکاران (۲۰۱۶)، نشان دادند که رابطه معناداری بین جنسیت و سرمایه اجتماعی وجود دارد.

بر اساس یافته های حاصل از پژوهش حاضر، پیشنهاد می شود که استقرار نظام سنجش صلاحیت حرفه ای باهدف پایش کیفیت آموزش سرمایه اجتماعی توسط معلمان انجام پذیرد. همچنین، گروه ها و انجمن های علمی - آموزشی در مناطق آموزش و پرورش برای گفتگو در مورد ارتقای سرمایه های اجتماعی به صورت نظام مند استقرار یابند. علاوه بر این، جذب معلمانی باتجربه های آموزشی و پژوهشی مناسب که خود از سرمایه اجتماعی مناسبی برخوردارند، در دستور کار قرار گیرد و از سیاست های تشویقی و حمایتی ویژه استفاده شود.

## References:

- Alvani, S.M. & Mirali, S.T. (2002). Social capital: concepts and theories. *Journal of management studies*. 33 & 34: 3 – 26. (in persian)
- Chaharband, F., (2009). Considering the role of basic education in knowledge-based economy in Iran. University Allameh Tabatabaie. Tehran. (in persian)
- Kheirandis, M. & Jamshidi, H. (2016). The effect of social capital on organizational Entrepreneurship Through job motivation mediation. *managing social capital*. 3(1): 43-68.
- Zaker, Q. (2008). Social capital Paradox of Iranian graduates: Evaluating relationship Higher education and social capital in Iran. *Journal of engineering training of Iran*. 40: 51-52.
- Seyed Nourani, S.M., Sajadi, m., Forouzan, F. & Jahangard, F. (2015). Inquiring the role of education in creation of social capital in iran (1981-2011). *Quarterly of Scientific-research of economic development and growth researches*. 31-44.
- Shorakayi Ardakani, J., Reyahinezhad, H. & Razaghi, H. (2011). Sanctioned law of High board of education. Tehran. School publication.
- Shirkhani, A. & Parchogani, K. (2015). Inquiring the role of education in institutionalizing Resilient economy. The fifth national development conference in education and psychology, cultural and social studies. tehran. Center of the ways to reach to permanent development. Mehr e Arvand higher education Institution.
- Allameh, S. & Ghorbanalizadeh, M. (2016). School social capital and felonious behaviors. The first conference on novel studies in social and economic sciences.
- Kiamarsi, A. & Momeni, S. (2013). Inquiring relationship between social capital and happiness with academic achievement in high school girl students. *journal of school psychology*. 5: 119-130
- Giurian, H. & Dindarfarkoosh, f. (2011). Inquiring relationship between social capital and teacher effectiveness. *Quarterly of educational leadership and management*. 5: 137-145.
- Mohammadimehr, M., Maleki, H., Abbaspoor, A. & Khoshdel, A. (2011). A study about necessary qualifications for life-long learning in medicos. *Iranian Journal in medical science*. 11(8): 903-916.

Nazoktabar, H. & Veisi, R. (2008). Analyse of relation of social capital with children studing. *Quarterly of Management and Development*, 68:121-149.

Ministry of Education (2011). Theoretical principles of fundamental evolution in farmal education system of Republic of Islamic of Iran. Tehtan. Ministry of Education, Superb board of cultural revolution and Superb board of Education.

Amelia, M., & Impedovo, M. A. (2017). Managing Social and Human Capital in Organizations: Communities of Practices as Strategic Tools for Individual and Organizational Development. *Journal of Workplace Learning*.

Amiraslani, H., Lins, K. V., Servaes, H., & Tamayo, A. (2017). A matter of Trust? The bond market benefits of corporate social capital during the financial crisis.

Bailey, A. V. G. (2016). *The Knowledge Effects of Founders' Human and Social Capital on Entrepreneurship* (Doctoral dissertation, The Ohio State University).

Borish, D., King, N., & Dewey, C. (2017). Enhanced community capital from primary school feeding and agroforestry program in Kenya. *International Journal of Educational Development*, 52, 10-18.

Bourdieu, P. (2011). The forms of capital. (1986). *Cultural theory: An anthology*, 1, 81-93.

Burt, R. S. (1997). The contingent value of social capital. *Administrative science quarterly*, 339-365.

Chao, C. H. (2018). From People Management to Organization Competitiveness—A Case Analysis from Construction Industry.

Crul, M., Schneider, J., Keskiner, E., & Lelie, F. (2017). The multiplier effect: how the accumulation of cultural and social capital explains steep upward social mobility of children of low-educated immigrants. *Ethnic and Racial Studies*, 40(2), 321-338.

Dufur, M. J., Parcel, T. L., Hoffmann, J. P., & Braudt, D. B. (2016). ☆ Who has the advantage? Race and sex differences in returns to social capital at home and at school. *Research in social stratification and mobility*, 45, 27-40.

Ellinger, A. E., Musgrove, C. C. F., Ellinger, A. D., Bachrach, D. G., Baş, A. B. E., & Wang, Y. L. (2013). Influences of organizational investments in social capital on service employee commitment and performance. *Journal of Business Research*, 66(8), 1124-1133.

Freidus, A., & Noguera, P. A. (2017). Making Difference Matter: Teaching and Learning in Desegregated Classrooms. *The Teacher Educator*, 52(2), 99-113.

Ginsburg, L., Berta, W., Baumbusch, J., Dass, A. R., Laporte, A., Reid, R. C., ... & Taylor, D. (2016). Measuring Work Engagement, Psychological Empowerment, and Organizational Citizenship Behavior Among Health Care Aides. *The Gerontologist*, 56(2), e1-e11.

Granovetter, M. S. (1973). The strength of weak ties. *American journal of sociology*, 78(6), 1360-1380.

Hanselman, P., Grigg, J., K. Bruch, S., & Gamoran, A. (2016). The consequences of principal and teacher turnover for school social resources. In *Family environments, school resources, and educational outcomes* (pp. 49-89).

Emerald Group Publishing Limited.

- Harvey, J., Lévesque, M., & Donnelly, P. (2007). Sport volunteerism and social capital. *Sociology of sport journal*, 24(2), 206-223.
- Huang, J., Van den Brink, H. M., & Groot, W. (2009). A meta-analysis of the effect of education on social capital. *Economics of education review*, 28(4), 454-464.
- Jones, C. I., & Williams, J. C. (1998). Measuring the social return to R&D. *The Quarterly Journal of Economics*, 113(4), 1119-1135.
- Knack, S. (1999). *Social capital and the quality of government: Evidence from the United States*. The World Bank.
- Lin, N. (2017). Building a network theory of social capital. In *Social capital* (pp. 3-28). Routledge.
- Lins, K. V., Servaes, H., & Tamayo, A. (2017). Social capital, trust, and firm performance: The value of corporate social responsibility during the financial crisis. *The Journal of Finance*, 72(4), 1785-1824.
- Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). Social capital, Intellectual capital & the organizational advantage. *Academy of management Review*, 23(2), 242-260.
- Nag, P. T. (2017). The Critical Importance of Schools and School Leaders. In *Lee Kuan Yew's Educational Legacy* (pp. 43-54). Springer Singapore.
- Nolan, A., & Molla, T. (2017). Teacher confidence and professional capital. *Teaching and teacher education*, 62, 10-18.
- Putnam, R. D. (2000). Bowling alone: America's declining social capital. In *Culture and politics* (pp. 223-234). Palgrave Macmillan US.
- Putnam, R. D. (2017). Education, diversity, social cohesion and 'social capital'.
- Putnam, R. D., & Helliwell, J. F. (1999). *Education and social capital*. National Bureau of Economic Research.
- Saadatmand, S., & Ahmadi, S. (2017). The Relationship between the Hidden Curriculum and the Environmental Protection. *Journal of Administrative Management, Education and Training*, 13(1), 75-81.
- Sainaghi, R., & Baggio, R. (2014). Structural social capital and hotel performance: Is there a link?. *International Journal of Hospitality Management*, 37, 99-110.
- Salloum, S. J., Goddard, R. D., & Larsen, R. (2017). Social Capital in Schools: A Conceptual and Empirical Analysis of the Equity of Its Distribution and Relation to Academic Achievement. *Teachers College Record*, 119(7), n7.
- Sanchez-Famoso, V., Maseda, A., & Iturralde, T. (2017). Family involvement in top management team: Impact on relationships between internal social capital and innovation. *Journal of Management & Organization*, 23(1), 136-162.
- Seibert, S. E., Kraimer, M. L., & Liden, R. C. (2001). A social capital theory of career success. *Academy of management journal*, 44(2), 219-237.
- Skinner, J., Zakus, D. H., & Cowell, J. (2008). Development through sport: Building social capital in disadvantaged communities. *Sport management review*, 11(3), 253-275.
- Talmage, C. A., Peterson, C. B., & Knopf, R. C. (2017). Punk rock wisdom: An emancipative psychological social capital approach to community well-being. In *Handbook of Community Well-Being Research* (pp. 11-38). Springer Netherlands.



- Turley, R. N. L., Gamoran, A., McCarty, A. T., & Fish, R. (2017). Reducing children's behavior problems through social capital: A causal assessment. *Social science research, 61*, 206-217.
- Whipple, J. M., Wiedmer, R., & K Boyer, K. (2015). A dyadic investigation of collaborative competence, social capital, and performance in buyer-supplier relationships. *Journal of Supply Chain Management, 51*(2), 3-21.
- Zhang, J., Scardamalia, M., Reeve, R., & Messina, R. (2009). Designs for collective cognitive responsibility in knowledge-building communities. *The Journal of the Learning Sciences, 18*(1), 7-44.